

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مصطفی قهرمانی
۱۹ نومبر ۲۰۲۳



مصطفی قهرمانی

آسیب شناسی معیوب و پاسخ های معیوب و آسیب شناسی آن!

نقدی بر بیانیه یورگن هابرماس و همراهان پیرامون جنگ غزه-



آسیب شناسی معیوبی که در اینجا به آن اشاره می شود رژیم اشغالگر اسرائیل و فرآیند غیرقانونی ایجاد و تشکیل این دولت در قلمرو تاریخی سرزمین فلسطین می باشد. از آن زمان تا کنون، در ۷۵ سال گذشته این ساختار پاتولوژیک تنها قادر به تولید محصولات پاتولوژیک بوده است. اشغالگری، تجاوز، تنفر و تبعیض پاسخ هائی بوده اند که حالا در نسل کشی و پاک سازی قومی قله خود را جست و جو می کنند.

می دانیم که به لحاظ تاریخی حداقل از زمان هولوکاست، رابطه بین المان و یهودیت سنگین و مسبوق به سابقه ای نیک نبوده است. پس از گذشت حداقل ۸۵ سال، این میدان مغناطیسی پرتشنج و نوسان همچنان دامنه حرکت کسانی، حتی برای یکی از بزرگترین اندیشه ورزان های قرن ما نیز که در مورد مشکلات کنونی مشارکت و تعامل المان و یهودیان قصد و آهنگ صحبت دارند، فضاء را به حدی محدود و مشکل می سازد که بیان آن برای همه بازیگران یک گفتمان سیاسی-اجتماعی عملاً غیرممکن می شود به طوری که آنها دیگر قادر نیستند دیدگاه های سیاسی خود را آزادانه و بدون ترس از افتراء و ترور شخصی و شخصیتی ابراز کنند. آن چیزی که در نهایت تحت این جو فشار ظاهر می شود، یک

بیانیه به دور از هنجارها و معناهای یک اظهارنظر سیاسی است. جدیدترین نمونه از این نوع اظهارنظرها بیانیه فیلسوف یورگن هابرماس و همراهانش است.

در حالی که بیش از ۵ هفته است که بزرگترین نسل‌کشی زمانه‌ما علیه ساکنان غزه توسط ارتش تجاوزگر اسرائیل انجام شده است، یکی از بزرگترین فیلسوفان زنده عصر ما آن را به عنوان «ضدحمله» ارتش اسرائیل به «کشتار» گروه تروریستی حماس توجیه می‌کند و آن را موجه می‌داند.

واقعاً نیازی نیست به هابرماس که در ۹۸ سال عمر با افتخار خود مستقیماً رنج هر دو ملت اعم از یهودی و فلسطینی را شاهد بوده است بگوئیم که تاریخ این درگیری از ۷ اکتوبر ۲۰۲۳ آغاز نشده است. اما بدون دخالت ما، این داستان در این تکه کوچک سیاره ما به یک جهنم ختم خواهد شد. بدون کنار گذاشتن «اصول همبستگی» آنچه که او همراهانش در بیانیه کوتاه خودشان قصد تبیین آن را دارند، همه باید در مقابل این بزرگترین بی‌عدالتی زمانه خود بایستیم. اما به یورگن هابرماس باید گفت همبستگی با دوستانتان نباید باعث شود که خودتان را سانسور کنید و دچار لکننت زبان بگردید. دوستان اگر حقیقتاً دوست باشند باید انتقاد را بپذیرند یورگن هابرماس نیز می‌تواند این بار باید به عنوان یک فعال صلح در روند "کنش ارتباطی" که او خود نظریه‌پرداز آن بوده است مشارکت داشته باشد.

حقیقتاً نمی‌توان تصور کرد که یورگن هابرماس و دیگر نویسندگان بیانیه نمی‌دانند قیام و خیزش چیست و نمی‌دانند که حق مقاومت در برابر ظلم اشغال‌گر یک حق بشری است و نمی‌توان باور داشت که آنها همان حقی را که برای ساکنین گتوی یهودیان وارسا در اپریل و مه سال ۱۹۴۳ با خیزش‌شان علیه فاشیسم هیتلری قائل هستند نمی‌توانند یا نمی‌خواهند برای مردم گتوی غزه و قیام و شورش‌شان علیه صهیونیسم اسرائیلی را قائل باشند. آنها و نه فقط آنها بلکه کل ساختار دموکراسی‌های لیبرال غربی به باور من دچار یک «معضل معرفتی و همچنین اخلاقی» هستند. «امر مطلق کانتی» به عنوان یک مطالبه جهان‌شمول بشری برای آنها هیچ‌گاه نه مطلق بوده است و نه جهان‌شمول. بلکه تنها برای محدوده نظام‌های غربی قابل پذیرش بود.

دموکراسی‌های غربی بعد از جنگ جهانی دوم با توجه به اوضاع و احوال متغیر جهانی و کثرت فزاینده بازیگران و رقبای سیاسی و اقتصادی در مقابل فشارهای فزاینده نئولیبرالی، نومحافظه‌کارانه و در نهایت فاشیستی تاب مقاومت نخواهند داشت یا از درون دچار فروپاشی خواهند شد و یا این حرکت آشکار به سوی تمایلات تمامیت‌خواهانه و جنگ‌طلبانه برای اشباع عطش سیری ناپذیر «سرمایه» در نهایت دوباره تاریخ آینده جهان ما را رقم خواهند زد. این در حقیقت همان معضل معرفتی مرکزی است که فلاسفه باید برای آن پاسخ ارائه بدهند نه این که امروز برای حفظ استیلای خود بر منطقه نسل‌کشی در غزه را توجیه کنند

فلسفه برای تبیین و ارائه راه خروج از فقر در جهان و دهکده کوچک جهانی ما که دیگر تاب تحمل نابرابری و فقر را ندارد در گام نخست باید بر فقر معنایی خود غلبه کند. هابرماس می‌داند که این را مارکس در قرن نوزدهم می‌گفت.